

با جشنواره

پاسخگو باشند



محمد حیدری *

● اگر جشنواره تئاتر فجر را در ۳۰دوره درنظر بگیرید، چهره‌های تازه نفس و کشف استعدادهای ناب در آن بسیار اتفاق افتاده است اما به دلیل نبود یک سیستم مداوم در نحوه، شکل برگزاری و نبود تمرکز نتوانسته است تاثیر زیادی بر جریان تئاتر کشور داشته باشد. مشکل جشنواره تئاتر فجر این است که هر دبیری براساس سلیقه شخصی خود برنامه‌ریزی می‌کند. بخشی از تصمیم‌گیری‌های جشنواره تئاتر فجر از سوی مدیران بالاتر انجام می‌شود و به همین لحاظ همیشه با سلایق مختلف روبه‌رو بوده و هیچ‌وقت سیاست منسجمی وجود نداشته است که با وجود مدیران مختلف دستخوش تغییر نشود.

قطعا یک دبیر فقط برای یک دوره جشنواره نمی‌تواند برنامه‌ریزی دقیقی انجام‌دهد تا تاثیر مثبتی روی تئاتر داشته باشد. از این نظر با تغییر مدیران و دبیران، جشنواره دچار تغییر می‌شود مثلا در یک دوره، دبیری گفته است بخشی از نمایش‌ها را اجرای عمومی به جشنواره ببایند و بالعکس. با این تغییرات جشنواره دچار تغییرات عجیب و غریبی شده و قطعا با این سیاست نمی‌تواند آینده‌ای در زیربنای تئاتر کشور داشته باشد.

جشنواره‌ای که بخش زیادی از هزینه‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهد، باید ثبات بیشتری داشته باشد. من نمی‌گویم شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور ما در نظر گرفته نشود اما در بخش تخصصی، هر دبیری که روی کار آمده، با توجه به سلایق خود تغییراتی داده است. به‌هر حال این شیوه می‌تواند تاثیر بدی روی تئاتر بگذارد. در این ۳۰دوره بخش زیادی از تئاتر کشور براساس جشنواره‌ها شکل گرفته است که از نوع شکل، سلیقه و… بوده است. پس وقتی جشنواره چنین اهمیتی پیدا می‌کند، برنامه‌ریزی دقیقی می‌طلبد. معلوم نیست ما چه شکل اجرایی را در این جشنواره دنبال می‌کنیم. بحث من سر شخص یا دبیر نیست بلکه نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای این جشنواره مهم است چون وقتی جشنواره‌ای در خانه مستقلی دارد، باید سیاست‌گذاری و برنامه منسجمی داشته‌باشد.

ما حتی می‌توانستیم جشنواره تئاتر فجر را طوری در خورمیان‌ه جای بیندازیم که اگر زمانی خواستند از تئاتر آسیا صحبت کنند به سراغ جشنواره ما بیایند ولی ما هنوز نتوانستایم جایگاهی در جشنواره‌های حرفه‌ای دنیا داشته باشیم. وقتی قرار است یک جشنواره حرفه‌ای برگزار شود باید تکلیف مشخص شود، معین شود که چه کسانی با چه معیاری می‌توانند در این جشنواره شرکت کنند. وقتی این معیارها مشخص نشود هر سال تغییر می‌کند اما در مورد اینکه چرا در زمان هیچ‌یک از مدیران ما شیوه‌نامه ثابتی تدوین نشده، مساله این است که مدیران هم برنامه‌ای برای تئاتر ندارند یعنی مدیر براساس برنامه انتخاب نمی‌شود. مدیران اول برنامه خود را ارائه نمی‌کنند بعد مدیریت را برعهده بگیرند. اول مدیریت را قبول می‌کنند بعد به فکر برنامه‌ریزی می‌افتند. با احترام به رحمت خیلی از مدیران، این سیاست وجود ندارد که مدبری یا توجه به برنامه‌هایش انتخاب شود. همیشه کسی مسؤولیتی پذیرفته و برنامه‌هایی اعلام شده که بخش زیادی از آن سلیقه آن مدیر بوده است. من هم خارج از همان مدیران نبودم. با صداقت بگویم من هم خودم را مجزا از این حرفی که زدم نمی‌دانم. منتهی بخش زیادی از جشنواره، دچار سیاست‌زدگی مدیریت تئاتر است. دبیر جشنواره وقتی برسر کار می‌اید، مدیران تئاتری و حتی مدیران بالاتر قطعا در نوع سیاست، برنامه‌ریزی و حتی اعلام آن برنامه دخیل هستند. بنابراین شما نمی‌توانید همه مسؤولیت‌ها را گردن دبیر بیندازید چون او هم می‌گوید بخش دیگری نگذاشت برنامه‌هایش اجرایی شود. با تغییر یک مدیر شرایط عوض می‌شود و این روند روی جشنواره تاثیر می‌گذارد. برای همین من هم خارج از چنین چارچوبی نبودم. در جایی که قرار می‌گیرد، نمی‌توانید هم برنامه‌ریزی کنید، هم اجرا کنید. من به واسطه حضورم در بخش‌های مختلف بدنه تئاتر توانستم تجربه کسب کنم. زمانی که از این تجربیات در جشنواره استفاده کردم و تاثیر گذاشتم، انگار دیگر به من احتیاجی نبود. منظورم صرفا خودم نیستم بلکه هر کسی که چنین شرایطی داشته، دچار این وضعیت شده است. انگار هر کسی در این تشکیلات تا به تجربه دست پیدا می‌کند، نباید باشد و کارش را ادامه دهد. هنوز هم دلیل آن را نمی‌دانم. این بحث کلی است و متأسفانه هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاده است که مدیر تئاتر یا دبیر جشنواره، برنامه‌ای را برای سه، چهار سال در حضور اهالی تئاتر و رسانه اعلام کند و حتی آن برنامه مورد نقد قرار بگیرد. مهم‌ترین بحث من بر سر استقلال جشنواره، حرفه‌ای بودن است یعنی برنامه‌ریزی منسجم و روشنی داشته باشیم و استمرار این دوره را ببینیم. کسانی باید این جشنواره را برگزار کنند که پاسخگو باشند. آن‌وقت برنامه مهم می‌شود نه شخص و برنامه‌ها لحظه‌ای انتخاب نمی‌شوند. الان بعد از سی دوره نمی‌توانیم این آزمون و خطاها را انجام دهیم بلکه باید حرفه‌ای باشیم.

*** دبیر دوره بیست و نهم و مستعفی دوره سی‌ام جشنواره تئاتر فجر**



محمد ابراهیم جعفری شاعر و نقاش

درباره زنده‌یاد استاد «محمود جوادی‌پور» در سال‌های اخیر مطالب گوناگون و متنوعی گفته و نوشته‌اند که هر کدام گویای جنبه‌هایی از ویژگی‌های انسانی و هنری ایشان است. گفته‌اند که «اثر هنری نتیجه هنرمندانه‌یستن است» و من این جمله را اولین‌بار در یکی از روزهای بهاری دهه چهل از استاد «محسن وزیریمقدم» شنیدم اما مدتها گذشت تا دریافتم که هنرمندانه‌یستن شکلی از پیش تعیین شده ندارد، هر چه بیشتر ادعای هنرمندی کنیم از صداقت و صمیمیت درونی‌مان کم می‌شود. در کنایی از قول «مندریان» خواندم «جایگاه هنرمند موضعی فروتنانه است زیرا اسما او یک وسیله است.» جمله‌های بالا همیشه مرا به یاد چهار سال زنده‌ی و شاگردی‌ام در آتلیه استاد محمود

جوادی‌پور می‌اندازد. آتلیه‌ای که در آن دانشجویان سال اول تا سال‌های آخر در کنار هم کار و زندگی تازهای را با هم تجربه می‌کردند. در آن فضای پر از شوق و شور و هیجان به بحث و گفت‌وگو درباره نقاشی، شعر و موسیقی می‌پرداختیم و از این راه مطالبی را یاد می‌گرفتیم که در هیچ کتابی پیدا نمی‌شد، مطالبی که سرچشمه آنها نیاز درونی جوانان هنرجویی بود که هرچند در کودکی مثل همه کودکان بدون اینکه آگاه باشند هنرمند بوده‌اند! ولی با شوق و پرکاری آرزو داشتند پس از اینکه بزرگ شدند، هنرمند باقی بمانند. در کتاب راه هنرمند -جازیایی خلاقیّت- اثر «جولیا کامرون» ترجمه «گیتی خوشدل» جملات سرنوشت‌سازی از قول فیلسوفان، هنرمندان، شاعران، نویسندگان، موسیقیدانان و افراد بزرگ جهان نوشته شده که اغلب این کلمات قصار از

زندگی زیست‌شده آنان به وجود آمده است. این انسان‌های بزرگ که در فاصله زمانی و مکانی عظیمی از یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند از رازها و حقایقی سخن گفته‌اند که گویی «با معرفت از شرایط راستین زندگی‌شان توانایی راستین و علل هستی خویش را یافته‌اند.» جمله بالا را که بین دو گیومه نوشتام در حاشیه کتاب راه خلاقیّت از قول «سیمون دوبوار» نوشته شده است و او در اول این جمله کلمه «باید» را به‌کار برده است و چنین می‌گوید: «باید با معرفت از شرایط راستین زندگی‌مان، توانایی راستین و علل هستی خویش را بیابیم» امشب که به بیش از ۵۰ سال آشنایی با زندگی هنرمندانه استادم محمود جوادی‌پور می‌اندیشم و این یادداشت کوتاه را می‌نویسم، بلور دارم که او به این معرفت رسیده و علل هستی خویش را یافته است. در فیلمی

در رثای زنده‌یاد محمود جوادی‌پور

هنرمندانه زیستن

یاد یار

«مانی حقیقی» از تجربه داوری جشنواره می‌گوید

با تفکر «تحریم» مخالفم

ثمین مهاجرانی



عین: میلاد فیلم‌های شرق

همدلی کاملی بین اعضای هیات داوران وجود دارد. من تا امروز در جشنواره فجر تجربه داوری کردن نداشتم. چون همیشه این سوءتفاهم در مورد نحوه کار هیات داوران وجود داشته و حرف‌هایی مطرح است که از خارج فشار وارد می‌کنند و نظرها به هیات داوران تحمیل می‌شود و… اما باید بگویم مطلقا این اتفاق نیفتاد و این باعث خوشحالی بنده شد. نظم و برگزاری جلسات هم واقع‌اعالی بود. آقای «عباسیان» به نظم تا اینجا مدیر خیلی خوبی برای

دومین نشست‌خبری سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر بر گزار شد

رونمایی ناگهانی از سیمرغ بلوری تازه

نازنین متین‌نیا

روی سن بود و از اعضا خواهد که میز را برای ادامه نشست روی سن نگه دارند. با تمام این ماجراها، بعد از رونمایی ناگهانی سیمرغ، پوستر و آنونس، دبیر جشنواره دوباره پشت بلندگو نشست و توضیح داد که دلیل اصلی این اتفاقات، انتظار سازندگان سیمرغ، پوستر و آنونس بوده و تا شب در خدمت اهالی رسانه است. او صحبت‌هایش را با پاسخ به سوالی که به‌خاطر مراسم رونمایی قطع شده بود، آغاز کرد. قبل از تمام این

اتفاق با عباسیان در ابتدای نشست که با نیم‌ساعت تأخیر شروع شد، مهم‌ترین صحبت‌هایش را با ارائه آمار و ارقام

با عنوان «پیش‌روان نقاشی نوین ایران» استاد جوادی‌پور با صدا یی آرام و صمیمیتی وصف‌ناپذیر به بیان خاطرات کودکی و نوجوانی خویش می‌پردازد و بیننده مشتاق را با چگونگی شکل‌گیری و رشد تخیل خلاق خود آشنا می‌کند. جوادی‌پور تفاوت بین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را به‌خصوص در روند آموزش و پرورش هنری به خوبی می‌دانست، هرگز به گونه‌ای رفتار نمی‌کرد که شاگردان را به مریدی خود وادار کند. در تمام سال‌های شاگردی و دوستی‌مان هرگز نشنیدم از کسی به بدی یاد کند. امشب وقتی از سال‌های آشنایی‌مان عبور می‌کنم این جمله‌ها را از کتاب راه هنرمند به خاطر می‌آورم، با اطمینان در مسیر روایاتمان به پیش بروید. حیاتی را که مجسم کرده‌اید زندگی کنید. وقتی زندگی‌تان را ساده می‌سازید قوانین کثات نیز ساده‌تر خواهند بود و من به یاد سرودام در سال‌ها پیش می‌افتم: دوستان عاشق من مثل دریا. بعد رفتن. آبرشان بر جای می‌ماند. ابر جانی تازه و روحی کهن دارد، ابر هر جـا. ابر هر دم. قسمت خاک است. می‌بارد…

اصلا چرا داوری جشنواره را قبول کردید؟

چرا قبول نکنم؟ من اگر هر زمان دیگری هم این پیشنهاد مطرح می‌شد، آن را قبول می‌کردم. نکته‌ای که وجود دارد این است که من اساسا با تفکر تحریم و خط‌کشی‌های اینجینی مخالف هستم و فکر می‌کنم که جشنواره فجر مال فیلمسازان است. جشنواره متعلق به من فیلمساز است و اصلا شبیه خانه من می‌ماند و طبیعتا خانه‌ای است که آن را با آدم‌های متفاوتی شریک هستم. اما باید توجه کنیم هر یک سانتیمتری که من از مالکیت این نهاد و خانه عقب‌نشینی کنم، آدم‌هایی که ممکن است با آنها اختلاف‌نظر داشته باشم، آن یک سانتیمتر را به دست می‌آورند. بنابراین شبیه سنگری است که نباید آن را ترک کرد و من خیلی متأسفم که عده‌ای از دوستان این تفکر را اندرند. تحریم کردن و همکاری نکردن به هر شکلی با این جشنواره، در واقع دو دستی تقدیم کردن این خانه به آنهاست است که می‌توانند به راحتی آن را نابود کنند.

یعنی اعتقاد دارید هنرمندان در هر شرایطی باید

در جشنواره فجر حضور داشته باشند؟

صدها،صد جشنواره فجر شبیه حیثیت فیلمسازان و هنرمندان ایرانی است که باید از آن به هر شکلی که ممکن است نگهداری کنند و به نظر هر کسی که با آن همکاری نکند، مرکب اشتباهی می‌شود. همیشه هم این نظر را داشته‌ام و برای همین همه فیلم‌هایی را که ساختم(از آ باآن تا پذیرایی ساده و حتی فیلم‌های مستندم) به جشنواره دادم. همیشه با میل و رغبت زیاد در جشنواره حضور داشتم‌ام و در همه مراسم آن شرکت کرده‌ام. علت هم این است که فکر می‌کنم با حضور خودم از حیثیت جشنواره حمایت می‌کنم. ترک کردن جشنواره صرفا به این علت که فعلا گروهی که با آن موافق نیستیم آن را می‌چرخانند و بر گزار می‌کنند، کار اشتباهی است.

دومین نشست‌خبری سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر بر گزار شد

فیلم‌ها و شرکت‌کننده‌های جشنواره شروع کرد و بعد از توضیح دادن از میزبانی هیات بلندپایه چینی در جشنواره اسمال، به سوالات خبرنگاران پاسخ داد؛ سوالاتی که بیشتر در انتقاد به زمان نمایش فیلم‌ها در سالن رسانه می‌گذشت و مهم‌ترین آن، درباره انتخاب فیلم‌های بخش اصلی بود و جای خالی فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو». دبیرجشنواره در توضیحاتش تأکید کرد که به‌فیلم خاصی اشاره نمی‌کند اما: «از نظر دیرینه جشنواره هیچ فیلمی مشکل ممیزی نداشته و فیلم‌ها با نظر هیات داوران به جشنواره آمده‌اند. نه من به عنوان دبیر جشنواره درباره حضور فیلم‌ها در جشنواره به صورت شخصی تصمیم می‌گیرم و نه آقای عرفان‌منش فیلم‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهند. نظرم را براساس رای هیات داوران اعلام کرده‌ام و آقای عرفان‌منش هم نظرشان را بر اساس نظر شورای بازبینی فیلم‌ها بیان کرده است.» به این ترتیب دومین نشست‌خبری دبیر جشنواره فیلم فجر، با فضایی متفاوت و برنامه‌هایی ناگهانی در فرهنگسرای ارسباران بر گزار شد تا خبر از جشنواره‌ای بدهد که انگار قرار است به شکل و شمایل کاملاً متفاوت و عجیب و ناگهانی در تمام این ۳۱ سال برگزار شود.

هفت جهان

یک ایرانی محبوب‌ترین خواننده سوئد لقب گرفت

ترانه‌ای غیررسمی برای بازماندگان حادثه تروریستی نورژ لقب گرفته است که طی آن ده‌ها کودک و نوجوان قربانی حمله مسلحانه یک تروریست نژادپرست نورژی شدند. این قطعه نامتناه در سوئد، بلکه به مدت هشت‌هفته، بهترین ترانه در نورژ بود و اولین قطعه موسیقی از این خواننده بود که از مرزهای اسکندیناوی نیز فراتر رفت. وی همچنین در سال ۲۰۰۵ به عنوان بهترین هنرمند زن در فستیوال راک سوئد انتخاب شد و رقبای معروف و پرطرفداری چون روبین، لانا فیلیپسون و امی دیاموند را پشت‌سر گذاشت. لاله پور کریم در مراسم Grammis سوئد نیز به عنوان تهیه‌کننده و هنرمند جدید سال سوئد انتخاب شد. وی همچنین در هفت‌شاخه نامزد دریافت جایزه شده بود. این خواننده ایرانی‌الصل در سال ۲۰۰۵ به دلیل آهنگ live tomorrow در یوتیوب، موفق به کسب هفت نامزدی و دریافت سه جایزه از هیات داوران برترین فستیوال موسیقی کشور سوئد شد. پورکریم متولد سال ۱۹۸۲ میلادی در شهر بندرنازلای است و از سن ۱۴ سالگی فعالیت در زمینه موسیقی را آغاز کرده است.

چهره روز

«درخت زیتون»

به یادبود «ساراماگو»

● **دبلی‌نیوز:** درخت زیتون پنج‌متری به نشانه یادبود «ژوزه ساراماگو» نویسنده سرشناس پرتغالی در مقابل خانه این نویسنده صاحب‌نام نصب می‌شود. این مجسمه درخت زیتون نزدیک خانه خالق کوری در منطقه «لازاروت» شهر لیسبون نصب خواهد شد. رمان‌نویس پرتغالی برنده نوبل ادبیات از سال ۱۹۹۳ در «تپاس لازاروت» سکونت داشت و در همین خانه شاهکار «کوری» را خلق کرد. این مکان اکنون تبدیل به خانه‌موزه و کتابخانه ساراماگو شده است. بنابر اعلام بنیاد ژوزه ساراماگو، این مجسمه فولادی روز ۱۸ مارس به مناسبت دومین سال بازگشایی خانه‌موزه ساراماگو رونمایی می‌شود. این اثر هنری توسط «ژوزه پدرومو» طراحی شده و ریشه گرفته از حروف نخست اسم و فامیل خالق رمان «کوری» است. البته تته درخت به شکل حرف «J» طراحی شده و شاخه‌های این درخت زیتون شبیه حرف «S» هستند. ساراماگو که سال ۱۹۹۸ جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد، در ۸۷سالگی در خانه خود واقع در جزیره «لازاروت» اسپانیا درگذشت. «ساراماگو» اولین رمان خود را در سال ۱۹۴۷ به نام «کشور گناه» منتشر کرد، اما موفق نبودن این کتاب موجب شد نویسنده‌گی را کنار بگذارد. تا اینکه ۲۵ سال پس از آن در سال ۱۹۸۲، رمان «بالتازار و بلمودن» را نوشت که ترجمه انگلیسی آن، شهرت فراوانی برایش به‌همراه آورد. این کتاب تاریخی، انحطاط پادشاهی پرتغال در قرن شانزدهم را به تصویر کشیده است. رمان‌های «ساراماگو» که ۲۵ زبان دنیا ترجمه‌شده‌اند، اغلب سناریوهای تخیلی دارند که بارزترین آنها «هلم سنگی» در سال ۱۹۸۶ است وی در سال ۱۹۸۴ با رمان «سال مرگ ریکاردو ریس» جایزه ادبی پن و جایزه داستان خارجی ایندیندنت را کسب کرد.

گزارش روز

یک عاشقانه افغانی

«ساندنس» را گرفت

● **شرق:** جشنواره بین‌المللی ساندنس در حالی از میان فیلم‌های مستقل برنده خود را انتخاب کرد که فیلم «واجبا» به کارگردانی و نویسندگی برمک اکرام از افغانستان در بخش بین‌المللی جایزه بهترین فیلم را دریافت کرد. این فیلم یک عاشقانه ساده افغانی است که توانست در میان رقبا مورد توجه قرار گیرد. مراسم اختتامیه این دوره جشنواره ساندنس بامداد کششبه به وقت ایران در پارک سینتی ایالست یوتا در آمریکا برگزار شد. به گزارش هالیوود ریپورتر جشنواره بین‌المللی فیلم ساندنس به فیلم‌های مستقل اختصاص دارد. در این دوره از جشنواره فیلم «فروتویل» ساخته ریان کوکگر ۲۶ساله از آمریکا موفق شد تا هم جایزه ویژه تماشاگران و هم جایزه گروه داوری را در بخش فیلم درام کسب کند. درام «فروتویل» اولین ساخته رایان کوکگر فیلمساز ۲۶ساله با بازی اوکتاویو اسپنسر و مایکل بی‌جردن در بخش داستانی فیلم‌های آمریکایی جایزه بزرگ هیات داوران را در دریافت کرد. این فیلم همچنین جایزه تماشاگران را در این بخش برد. «فروتویل» پس از «پرنسس» در سال ۲۰۰۹ اولین فیلمی است که در بخش داستانی فیلم‌های آمریکایی دو جایزه اصلی جشنواره ساندنس را می‌برد. این فیلم درباره حادثه ترانزانی در اوکلند در سال ۲۰۰۹ ساخته شده است. در این دوره از جشنواره انستيو هور هم با فیلم «برادر خونی» از آمریکا موفق شد تا جایزه تماشاگران و جایزه گروه داوری را در بخش فیلم مستند به دست بیاورد. این فیلم درباره مرد جوانی است که به کودکان دارای ویروس ایدز در هند کمک می‌کند. راکی برات که شخصیت اصلی این فیلم است گفت اهدای این جایزه به فیلم موجب حمایت از این پجعه‌های هندی می‌شود. جایزه بخش مستند سینمای جهان هم به «یک رود مسیر عوض می‌کند» به کارگردانی کالیلی مام از کلمبیا رسید. فیلم منتخب تماشاگران در این بخش فیلم «میدان» به کارگردانی جهان نوجمی از مصر و آمریکا بود. جایزه بخش درام سینمای جهان هم به «جیسول» به کارگردانی متول او از کر جنوبی اهدا شد. فیلم منتخب تماشاگران در این بخش «این مارتن بین است» به کارگردانی چاد هارتینگان از آمریکا بود. جایزه بهترین کارگردانی سینمای درام جهان هم به «پری کریستال» به کارگردانی سباستین سیلوا از شیلی تعلق گرفت. جایزه فیلمنامه والو سالت در بخش درام آمریکایی به «در یک جهان…» به کارگردانی و نویسندگی لیک بل از آمریکا رسید. بیست و نهمین دوره جشنواره فیلم ساندنس ۱۷ تا ۲۷ ژانویه (۲۸ دی تا ۸ بهمن) برگزار شد.

سر خط

● **فیلم «جانگوی زنجیر گسیخته»**
«نارانتینو» در اولین هفته نمایش بین‌المللی ۴۹میلیون دلار فروش داشت تا رکورد فروش فیلم را در جهان بشکند.
● **جشنسته کیهان از ترجمه نامه‌های پل استر**
«به جان مگسول کوتنزی خبر داد و گفت:
«همچون نامه‌های این نویسنده آمریکایی
به جان مگسول کوتنزی، نویسنده نوبلیست آفریقای جنوبی را در دست ترجمه دارد.»
● **اجرای اول نمایش «مرد مقابل» به کارگردانی سیما تیرانداز ۷ بهمن ماه که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد، به دلیل افتادن یکی از تماشاگران و آسیب دیدنش دچار وقفه شد.**